

حقوق اجتماعی ملت و معیارهای تأمین حداقلی آن در قانون اساسی

صادق جمشیدی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از نیازهای اولیه انسانها امنیت است. «قانون» چتر امنیت برای همه‌ی مردم جامعه است. آشنایی ما با حقوق فردی و اجتماعی، عامل بسیار مهمی برای جلوگیری از تنش‌ها به شمار می‌رود. تأمین حقوق همه جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، به منظور احیاء حقوق اجتماعی عامه مردم از مهمترین دستاوردهای یک قانون جامع و اساسی می‌باشد تا به پشتوانه آن مردم بتوانند استیفای حقوق نمایند. از همین رو، در قانون کشورها جایگاه ویژه‌ای برای احقاق حقوق مردم پیش‌بینی شده است. در همین ارتباط ضوابط و معیارهایی نیز در بطن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین حقوق افراد جامعه نهادینه شده است که دولت و حاکمیت را موظف به اجرای آن می‌نماید. به همین منظور در این نگاره به بررسی جایگاه حقوق اجتماعی مردم در قانون اساسی و معیارها و ملاک‌های تأمین آن از سوی دولت، خواهیم پرداخت. لذا نخست به کلیات حقوق افراد و شرایط و پتانسیل تقنینی آن در قانون پرداخته و در نهایت روال کنونی و حالت آرمانی تأمین حقوق افراد از نگاه قانون، تبیین خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: قانون، حقوق ملت، حقوق اجتماعی، عدالت، جامعه.

مقدمه

از منظر اسلام، حقوق اساسی و اجتماعی یک جامعه، منطبق بر نهاد وجود آدمی است که آفریدگار مجموعه نیازها را در نهاد انسان قرار است و تأمین این حقوق، به منظور رفع این نیازهاست. در واقع از آنجایی که این ظرفیت در همه انسانها وجود دارد، میل و گرایش به سوی ستاندن حق به منظور ترفیع نیازهای فردی از سوی انسان، امری بدیهی است؛ اما قرار گرفتن انسان در محیط اجتماعی و تبعیت از حاکم و احترام به قوانین موجود در گستره یک اجتماع، حکام و قانون‌گذاران اجتماعات و کشورها را بر آن می‌دارد که نسبت به موضوع بااهمیت موضع روشنی اتخاذ نمایند.

به همین منظور رجال سیاسی در صدر قوانینی که برای جامعه خویش، بنیان می‌نهند، موضوع حقوق افراد جامعه اعم از حقوق سیاسی، فردی، اجتماعی و سایر شئون مورد حق را به رشته تحریر درآورده و راهکارها و روال قانونی مناسب و سازوکار و ابزار معقول اجرایی شدن این حقوق را مشخص می‌نمایند.

لذا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق فردی نظیر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فی‌الجمله مطابق با سیستم حقوقی اسلام تشریح و به رسمیت شناخته شده است. هر چند ماهیت کلی بعضی از ارکان آن نیازمند تفسیر و تشریح مبسوط و لحاظ نمودن قیود کوچکی است. (امین، ۱۳۹۱: ص ۶۳) برخورداری از حق حیات، حرمت و کرامت انسانی، انتخاب، امنیت، بهره‌وری از محاکم، آزادی فکر، عقیده و بیان، صیانت اسرار خصوصی، داشتن و یا عضویت جمعیت و حزب، مشارکت در اداره امور کشور، تابعیت، مالکیت خصوصی، داشتن مسکن و شغل مناسب، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش و محیط مساعد رشد و شکوفایی، پرتوی از حقوق الهی و مشروع ملت به شمار می‌رود که در آئینه قانون اساسی بازتاب یافته است. (بیژن، ۱۳۸۶: ۴۵) تحقق و نیل به هدف غائی نظام حقوقی، ایجاب می‌کند اعمال حقوق و آزادی‌های فردی، بگونه‌ای طراحی و اجرا شود که بدون کمترین معارضه‌ای کاملاً با هدف مذکور هماهنگ و همسو باشد. رعایت حریم الهی، حقوق عمومی اجتماع، حدود دیگران و حق خویشتن، محدوده اساسی اسلام برای اعمال حقوق و آزادیهای فردی است که آن را از انحراف و طغیان باز می‌دارد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۷: ۳۱).

بیان مسئله

اصولاً در پهنه عالم، هر فردی به صورت بالقوه مجموعه‌ای از حقوق را داراست؛ زیرا این حقوق برحسب ماهیت انسان بودن وی، به او تعلق گرفته است. (گوده‌هارت^۱، ۲۰۱۶: ۱۰) پروردگار نیز، شاکله آفرینش انسان‌ها را به گونه‌ای قرار داده است که حصول و تأمین نیازهای انسان، براساس حقوق، استعداد امیال و مطالباتی که دارند و وجود دارد، انجام پذیرد. همین استعدادها و میل‌ها، پدید آورنده حقوق اولیه برای انسانها محسوب می‌شود. (مدنی، ۱۳۸۸: ۲۹) بر همین اساس، انسانها وقتی در اجتماعات زندگی می‌کنند ناچار به اشباع و دستیابی به حقوقی هستند که بنیان آن در نهاد آدمی است و از آنجایی که این مسئله عمومیت دارد، لذا همه مردم و حکومت‌ها و جوامع در حالت کلی نسبت به حصول آن، دارای نظریات مشترکی هستند. (رونکا^۲، ۲۰۱۶: ۸)

این موضوع زمانیکه اهمیت بیشتری می‌یابد که در جامعه‌ای همانند ایران، هم به لحاظ عرفی و شرعی بر احقاق این حقوق تأکید اکید شده است. این حقوق بسترها و زمینه‌های متعددی را مورد هدف قرار داده است که عمده‌ترین آن حقوق اجتماعی است که دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود؛ زیرا کلیه مولفه‌ها و حقوقی را شامل می‌شود که انسان در آن جامعه حیات دارد. (شریعت پناهی، ۱۳۹۰: ۳۳) این حقوق می‌تواند حق آزادی، حق تأمین اجتماعی، حق آموزش، حق حیات، حق عدالت و حق برخورداری از همه جنبه‌های حمایتی از قانون جاری کشور و دیگر حقوق شاخص باشد. لذا بدیهی است که ستاندن این حقوق در قالب حقوق اجتماعی از جانب دولت‌ها، می‌یابد ظابطه‌مند باشد و دولت نیز معیار و قیود خاصی را برای تأمین و صدور آن، طرح کرده باشد (جهانگیر، ۱۳۹۱: ۱۸).

^۱ Goodhart

^۲ Wronka

پیشینه تحقیق

در ارتباط با مقوله حقوق اجتماعی ملت و ضوابط و معیارهای تأمین آن در حوزه قانونی و حقوق ایران، مطالعات شاخص و متعددی صورت پذیرفته و بیشتر بر روی اصول مندرج در قانون اساسی تأکید شده است. لذا از بین مطالعات موجود، به بیان دیدگاه‌ها و محدود پژوهش‌هایی که صورت گرفته و همچنین آراء صاحب‌نظران در این حوزه، خواهیم پرداخت.

• هاشمی (۱۳۹۲) عقیده دارد که قانون اساسی به هنجارهای بنیادین و انتظام بخش یک جامعه سیاسی اطلاق می‌شود که در آن، ضمن تأکید ویژه بر حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، به تبیین ساز و کار نهادها و قوای حاکم بر جامعه پرداخته می‌شود. (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۴۷).

• به اعتقاد راسخ (۱۳۹۰) حاکمیت قانون^۱ یکی از ارزش‌های بنیادین سیاسی است که به موجب آن امور عمومی بر اساس قواعد کلی، آشکار و معطوف به آینده اداره می‌شود. ادعا این است که این شیوه، در اداره امور عمومی، از نخستین گام‌های ضروری برای دستیابی به عدالت، به منزله قلب و مرکز ارزش‌های سیاسی است. بر همین اساس، ایجاد محدودیت برای حقوق مردم باید بطور استثنایی و تنها در شرایط اضطراری برقرار شده و در صورت رفع بحران، محدودیت‌ها، به نفع آزادی‌ها برداشته شوند. (راسخ، ۱۳۹۰: ۲۲)

• رضایی (۱۳۹۳) بیان می‌دارد که قانون اساسی سند حقوقی و سیاسی جامعه‌ی پیشرفته است که قدرت را تنظیم و آزادی مردم را تضمین می‌کند. این آزادی ناشی از حقوقی است که به موجب قانون اجتماعی هر کشور و نظام و همچنین حقوق بشر برای افراد جامعه، طرح و انشاء شده است. (رضایی، ۱۳۹۳: ۶۴)

• خشوعی (۱۳۸۹) ابراز می‌کند که حق مصلحت و نفعی است که ارزش معنوی و مالی دارد و قانون از آن حمایت می‌کند. این حمایت توسط قانون بمنزله به رسمیت شناختن حقوق افراد و تلاش برای ابقاء آن برای احاد افراد جامعه است. لذا در این خصوص جوامع نیاز به تثبیت و مولفه‌های حقوقی مردم و ارائه راهکارهایی منطبق بر منطق جهت احقاق حقوق افراد کشور و ملت خود دارد. (خشوعی، ۱۳۸۹، ۱۷)

• میراحمدی (۱۳۹۲) معتقد است که حق مجموعه قواعد و نظامات و مقرراتی است که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و موثر از سوی نظام حاکمیتی می‌باشد. (میراحمدی، ۱۳۹۲: ۴۱)

• کاتوزیان (۱۳۸۶) بیان می‌کند که برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماع، حقوق برای هرکس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق» نامند که جمع آن حقوق است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۱۸)

• حقوق اجتماعی افراد در پهنه اجتماع، بیانگر جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر آن کشور است و به تعبیر دیگر، مبین نهادهای اجتماعی و سیاسی آن جامعه است. لذا حقوق افراد، متضمن قواعد و مقرراتی است که نوع تشکیلات اساسی کشور و حدود اختیارات قوای موجود در کشور را تبیین می‌کند. (تسخیری، ۱۳۸۵: ۱۳)

• دیان^۲ (۲۰۱۵) چنین تعبیر می‌کند که واژه حقوق اجتماعی دارای ابعاد مختلف و تعابیر و تفاسیر متعددی است. مفهوم حقوق اجتماعی به مولفه‌هایی از جمله حقوق عدالت قضایی، حق داشتن امنیت، حق داشتن رفاه نسبی، حق آموزش و حق شغل و دیگر حقوق اولیه برای ادامه حیات و بقا می‌باشد که از سوی جامعه مدنی مورد تأیید می‌باشد. (دیان، ۲۰۱۵، ۳)

^۱ Rule of Law

^۲ Dean.H

مفاهیم و کلیات

حق مسئله اصلی تمام ادیان الهی است چرا که می تواند عدالت را پدید آورد. (فرقانی، ۱۳۹۵: ۱۱) مفهوم حق، مفهومی سیال است، حق می تواند مالی باشد، می تواند نسبت خلاف واقع باش و یا حتی می تواند آبرو باشد، یا می تواند مربوط به جایگاه یک شخص و یا دستگاه و ارگان خاصی باشد حتی می تواند به یک گروه و تشکل منسوب باشد در هر حال حق مجموعه ای از تمام این موارد را در حالی شامل می شود که اگر افراد جامعه از داشتن آن آگاهی داشته باشند با مشکلات روبرو نخواهند شد. (شلتون^۱، ۲۰۱۵: ۵۳)

لذا حقوق ملت، از یک سو مجموعه ای از حقوق طبیعی است که از خصلت عالی انسان ناشی می شود و قانونگذار در تدوین قوانین، حق سلب یا محدودیت آن را ندارد و دولت ها نیز نباید مانعی در مقابل آن ایجاد کنند و از سوی دیگر، مجموعه ای از حقوق موضوعه است که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای پیروان خود تأمین و تضمین کرده و محتوای آن حقوق از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. (فین^۲، ۲۰۱۵: ۱۴) درباره منشأ چنین حقوقی از دیدگاه اسلامی می توان چنین تبیین کرد که از منظر اسلام، هیچکس حق ندارد به حقوق و آزادی هموعان خود که آزاد آفریده شده اند، آسیبی وارد سازد. (موحد، ۱۳۸۴: ۲۵)

همچنین حوزه حقوق طبیعی نیز همان حقوقی است که در ذات همه انسان ها نهاده شده است و وظیفه قانونگذار، تلاش برای کشف آنهاست تا بتواند حقوق موضوعه را بر پایه آن قرار دهد. البته شایان ذکر است که حوزه حقوق اجتماعی از حقوق طبیعی نشأت گرفته است، اما چون جنبه رسمی و قانونی به خود می گیرد، بیشتر با ماهیت حقوق اجتماعی معرفی می گردد. همچنین باید به این نکته اشاره نمود که با توجه به اینکه انسان ها در جوامع مختلف از فرهنگ ها، عقاید، سازوکارهای رفتاری و خطوط مشی اجرایی و حاکمیتی متفاوت بهره می جویند، لذا در خصوص تحصیل این حقوق و احقاق آن از سوی دولت ها روال های متفاوتی را تجربه خواهند کرد. البته کیفیت و کمیت اجرا و تأمین این حقوق نیز به نسبت جوامع و جغرافیای مختلف، قطعاً متنوع خواهد بود، زیرا نسبت به همان اجتماع برای انسان ها تقنین گردیده است. در همین ارتباط قانون اساسی ایران نیز طی اصول مختلفی، سعی در مسجل نمودن و تعریف جامع حقوق اساسی مردم و ملت و متن قانون نموده است که عمل به آن جزء وظایف و ارکان نظام خواهد بود. (شهرایی، ۱۳۹۱: ۶۳)

بر طبق متن مصرح در قانون اساسی، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آحاد ملت را دارای حقوق یکسان دانسته و اختلافات قومی و قبیله را ملاک امتیاز نمی داند. مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.»^۳

همچنین «همه آحاد ملت اعم از زن و مرد را با رعایت موازین اسلام از همه جنبه های حقوق برخوردار می داند. همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»^۴

در کشور ما و اصولاً کشورهای اسلامی تا آغاز عصر مدرن، احکام شریعت نقشی اساسی در این زمینه داشتند. این قوانین که شامل موضوعه های همچون معامله، جزا، نکاح، طلاق و بسیاری دیگر از امور ضروری زندگی گروهی می شد، پاسخ گوی نیازهای جوامع بشری بود، ولی با ایجاد شرایط جدید در زندگی، تدوین قوانین مصوب و مکتوبی که نوع حکومت، حدود اختیارات حاکم، تعریف قوای حکومتی و تعیین حدود اختیارات آنها، تأمین آزادی ها و امنیت فردی و در کل، تعریف جایگاه ملت در برابر حکومت، رابطه مردم با دولت و دیگر قوانین جدید را تعریف و برای اجرای آن راهکار اساسی معرفی کند، ضروری و لازم به نظر می رسید. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۷۸)

^۱ Shelton

^۲ Fein

^۳ اصل ۱۹ قانون اساسی

^۴ اصل ۲۰ قانون اساسی

تعامل حقوق و وظایف مطروحه ملت در قانون اساسی ایران

در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجرای اعمال حق خداداد ملت را در عرصه حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خویش تعیین کرده است و ملت با تأسیس حکومت می‌تواند حق خود را به تمامی دریافت کند. بدیهی است تعارض و اختلافی بین دو مولفه اسلامیت و جمهوریت (اسلامی بودن و جمهوری بودن نظام) پیش نخواهد آمد، زیرا به موجب همین اصل، خدا انسان را بر سرنوشت اجتماعی خود حاکم کرده است. در حقیقت، ملت از این حق خدادادی خود بهره می‌گیرند و اسلام، طلب این حق را وظیفه و تکلیفی شرعی برای او قرار داده است. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۳: ۵)

با یک نگاه موشکافانه می‌توان دریافت که از مجموعه تکالیفی که در حقوق ایران بر مبنای شرع مقدس اسلام، قرار داده شده است، این استنباط صورت می‌گیرد که بازگشت همه تکالیف اعم از تکالیف دینی و اجتماعی، گرایش به سمت «حقوق بشر» است؛ زیرا خداوند بی‌نیاز مطلق است. (مرادیان، ۱۳۹۴: ۲۱) لذا با استناد به این موضوع می‌توان دریافت که دولت‌ها و جوامع، علی‌الخصوص کشور ایران که ماهیت حقوقی آن بر اساس دین مبین اسلام است، بیشترین اهتمام را خواهند داشت تا مردم به حقوق خود دست یابند و در این راه نیازمندی‌های تقنینی و معیارهای اجرایی را لحاظ نموده است. همچنین عدالت، از یک منظر، هدف حقوق و از منظر دیگر، مبنای حقوق است و در پرتو آن، همه حقوق دریافت می‌شود، به گونه‌ای که در بهره‌مندی از حقوق، هر کس به اندازه استحقاق خود از آن بهره می‌گیرد. (رئیسی، ۱۳۹۲: ۵۱)

حقوق ملت و تحقق آن در قانون اساسی

به طور کلی، در ساختار همه حکومت‌ها و در نص صریح همه قوانین ملل مختلف، ضمن اینکه برای افراد تحت حاکمیت آنها وظایف و تکالیفی تعیین می‌گردد، به همان نسبت دولت‌ها را مکلف به ایجاد شرایط و بسترهای می‌نماید که به واسطه آن مردم به حقوق اجتماعی و فردی خود برسند. (واشقانی، ۱۳۹۵: ۳۰) لذا از آنجا که نظام حقوقی ایران و به تبع آن نگارش قانون اساسی جمهوری اسلامی، مبتنی بر شرع مقدس اسلام هست، لذا قانونگذار خود را مکلف به رعایت حقوق افراد جامعه نموده است و در جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل اینکه مردم نقش اصلی و اساسی در حفظ و بقا حکومت را دارا بوده و حفظ استقلال و امنیت کشور و ملت تنها در گرو حمایت مردم از هیات حاکمه می‌باشد، لذا قانونگذار برای تأمین این هدف و براساس فرامین و دستورات دین مبین اسلام سعی نموده است به شیوه‌ای بدیع و فراگیر حقوق هر فرد خصوصاً حقوق فردی و اجتماعی وی را به رسمیت شناخته و این حقوق را به تابعین حکومت خود متذکر شود. (بهشتی، ۱۳۹۲: ۸۹)

بدین منظور، قانونگذار در اصول و مواد متعدد قانونی، معیارهای حداقلی تأمین حقوق اجتماعی افراد از منظر قانون اساسی را به نحو درست و شایسته همراه تصریح نموده است که به موجب این مجموعه قوانین، ضمانت حصول حقوق ملت، معین و مبرهن می‌گردد. بعنوان مثال، در متن قانون^۱ قید شده است که «دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف مندرج در اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه افراد در تمام زمینه‌های مادی و معنوی می‌باشد.» و در بند ششم از اصل مزبور^۲ یکی دیگر از وظایف دولت را «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی مقرر کرده است. بنابراین بر مبنای آنچه گفته شد، ملت ایران و بلکه تمامی انسان‌ها به اعتبار اصل خلقت با هم برابر و یکسان بوده و هیچکس را بر دیگری امتیاز نیست؛ و لذا با توجه به این نکته، تمامی مردم ایران در برابر قانون مساوی و برابر بوده و هیچکس حق ندارد مانع از حمایت قانون از حقوق آحاد ملت گشته و یا خود را برتر از دیگران دانسته و از شمول قانون بگریزد.» (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ۳۶)

همچنین برابر قانون^۳، دولت موظف است همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون به کار گیرد. (شعبانی، ۱۳۹۰: ۷۵)

^۱ بند ۹ اصل سوم قانون اساسی

اصل سوم قانون اساسی

^۲ بند ۱۴ اصل سوم

حقوق اجتماعی مردم و شمولیت عام آن در جامعه

حقوق اجتماعی در واقع یکی از فروع کلی حقوق مردم در جامعه است و دلالت بر مولفه‌هایی دارد که در حیطه اجتماعی و در جریان زندگی افراد، رخ می‌دهد. (وانورمر^۱، بستوم^۲، ۲۰۱۷: ۹) این بخش از حقوق ملت در چندین اصل از اصول قانون اساسی آمده است که هر کدام کاربرد حقوقی خاص خود را دارند. البته ناگفته نماند که قانون اساسی به هیچ‌وجه در صدد احصاء جمعی، حقوق ملت نبوده، بلکه تنها به اهم موارد آن اشاره کرده است؛ و چنانچه بر اساس مکتب اسلام حقی برای مسلمانان و دیگر انسانها مقرر گردیده باشد، دولت و دیگران موظف به رعایت آنها بوده و عدم ذکر آنها در قانون اساسی به منزله عدم پذیرش آنها نیست. (کاشمری، ۱۳۹۴: ۲۲)

• **اشتغال:** زمینه شغلی به منظور امرار معاش، یکی از حقوق اجتماعی است که دولت به استناد قانون اساسی، ملزم به تأمین شرایط کلی آن هست. معیارهای اساسی این حق که به وسیله این ملاک‌ها میزان اهمیت قانون به نسبت این حق سنجیده می‌شود، این هست که هر فرد در جمهوری اسلامی ایران از دو جهت مورد توجه قانونگذار بوده است. جهت اول حق آزادی انتخاب نوع و کیفیت شغل است که بر اساس صدر اصل ۲۸ قانون اساسی و طبق آنچه در مباحث مربوط به آزادی‌های عمومی آورده شده هرکس هر شغلی را که مایل است می‌تواند انتخاب کند لیکن مشروط بر اینکه مغایر با دستورات اسلام و مصالح عمومی نباشد. جهت دوم، حق داشتن شغل مناسب و کار مناسب با استعداد و توانایی اشخاص است. بر اساس قانون^۳، این امر به عنوان یک حق مسلم هر فرد ایرانی بر عهده دولت گذاشته شده او را موظف کرده است که با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. (جهانگیر، ۱۳۹۱: ۲۹) پس نسبت به حق اجتماعی داشتن شغل، ایجاد امکانات لازم و زمینه‌های مناسب برای اشتغال کار افراد در درجه اول از وظایف دولت است و در صورتی که دولت قادر به چنین امری نباشد باید از کسانی که امکان اشتغال آنها فراهم نشده به نحوی حمایت کند تا به گونه‌ای که هیچ فردی به دلیل بیکاری دچار مشکلات اقتصادی در امر اداره امور خانواده نگردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با درک این حقیقت، برای جلوگیری از نابودی و فلج شدن افراد در زندگی اقتصادی، دولت را موظف کرده است که طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی از قبیل آنچه در صدر اصل مزبور آمده است را برای یک فرد کشور تأمین کند^۴. (بیژن، ۱۳۸۶: ۵۳)

همچنین در قانون^۵، یکی از اصول اساسی و ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند. لذا به استناد این ماده حمایتی قانون از افراد جامعه، دولت موظف است به منظور احقاق حقوقی اجتماعی افراد، شرایط حداقلی ایجاد بستر کاری و شغلی افراد را تأمین نماید تا به سبب این نقصان و چالش، افراد جامعه، دچار آسیب‌های ناشی از بیکاری و فقر نشوند. (رئیس، ۱۳۹۲: ۶۴)

از مجموعه نکات فوق در خصوص مولفه شغلی و معیارهای تأمین آن به موجب قانون اساسی، می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت قانون، تلاش حداکثری است برای احقاق این حق اجتماعی افراد در جامعه ایران.

حق برخورداری از تأمین اجتماعی: به طور بدیهی، هر کدام از افراد جامعه دارای فراز و فرود اجتماعی و عمر مفید در حیطه بازدهی و نقش مولد سرمایه‌ای و بهره‌وری برای کشور می‌باشد. لذا پس از پایان دوران طلایی و کارآمدی و یا نابسامانی‌های جانبی در زندگی افراد، یکی از حقوقی که ملت از دولت و قانون متبوع خود مطالبه دارند و در این راستا، قانون اساسی کشور باید پاسخگوی این نیاز بشری باشند، حق تأمین اجتماعی افراد است. حقوق تأمین اجتماعی یکی دیگر از مجموعه حقوق اجتماعی است که مخاطب آن بیشتر، سالمندان، کهنسالان، بازنشستگان و ... می‌باشد که در ازای خدماتی که

^۱ Van Wormer

^۲ Besthorn

^۳ اصل ۲۸ قانون اساسی

^۴ اصل ۲۹

^۵ بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی

برای دولت انجام داده‌اند در زمان از کارافتادگی و بیماری، دولت موظف به رعایت حقوق آنها و ترتیب اثر بخشیدن به نیازهای آنان می‌باشد. (ایوبی، ۱۳۹۵: ۸۳) لذا در متن قانون اساسی^۱، برخورداری از تامین اجتماعی، به دلیل بروز عوامل فوق الذکر را به عنوان یک حق مسلم از جانب ملت بر دوش دولت نهاده و او را به برآوردن نیازها و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی از طریق بیمه و حمایت های مالی و نظایر آن موظف نموده است. این امر ریشه در تعالیم اسلام داشته و اجازه نمی دهد که تا انسان قدرت بازو و جوارح دارد از او کار کشیده و بهره گیرند و آنگاه که از کار باز ایستد و در زمان ناتوان شدن به حال خود رها سازند. بلکه حاکم و دولت اسلامی مکلف است از بیت المال مسلمین زندگی و حیات اجتماعی همه درماندگان را متناسب با حال اجتماع تضمین نماید. (شعبانی، ۱۳۹۰: ۹۸)

به همین نسبت دیگر ابعاد حقوقی نیز در بطن قانون اساسی به منظور حمایت و صیانت از مجموعه حقوق اجتماعی افراد توسط قانونگذار پیش‌بینی شده است که ابعاد و جنبه‌های متعددی از زندگی افراد را مورد پوشش قرار می‌گیرد. این حقوق اجتماعی گاهاً می‌تواند زیرمجموعه آزادی‌های مشروعی باشد که دولت‌ها به ملت اطلاق می‌نمایند. حق برخورداری و تساوی حقوق زن و مرد در قالب امور اجتماعی، مجموعه حقوق سیاسی در حیات اجتماعی کشور و دیگر نمونه‌هایی که بنا به مقتضیات جامعه، در قانون اساسی آمده است. لذا به جرأت می‌توان گفت که قوانین و مواد مختلفی در قانون اساسی و همچنین سایر جنبه‌های قانونی کشور ایران نسبت به تامین و ارج نهادن به حقوق افراد متبوع کشور، ذکر گردیده است. به استناد هر کدام از این اصول و مواد قانونی جنبه‌ای از زندگی افراد مورد توجه قرار گرفته و نیازهای اساسی در زمینه‌های مختلف تحت لوای این حمایت‌های قانونی، از سوی دولت‌ها برای مردم انجام می‌پذیرد و از این لحاظ، ایران یکی از کشورهای پیشگام در عرصه به رسمیت شناختن حقوق اجتماعی و مدنی افراد در بین سایر کشورهاست؛ زیرا هم روح تعالیم اسلامی در متن مواد قانونی دیده می‌شود و هم به لحاظ عرفی، این موارد در قانون گنجانده شده است.

نتیجه‌گیری

بر طبق آنچه در این تحقیق بدان پرداخته شد، دانستیم که حقوق مردم، از مباحث محوری نظام‌های سیاسی است. لذا در قانون اساسی نظام های سیاسی بر احقاق این حقوق، تاکید می شود و همه ملل دنیا اهتمام می‌ورزند تا آن را سر لوحه قانون اساسی و طایفه‌دار نظام حقوقی خود قرار دهند. اگر دولتمردان در رأس هرم حکومت، بتوانند به مدد ابزارهایی همچون قدرت، حقوق به حق افراد جامعه خویش را تنظیم و به واسطه قوانین موجود، مردم را از آن مستفید نمایند، بدون شک ثبات سیاسی و ساختار حکومتی آن جامعه از صلابت و محبوبیت بیشتری برخوردار خواهد شد؛ زیرا قدرتی که زمامداران حکومتی به دست می‌آورند در واقع امانتی است که از سوی مردم به آنها داده می‌شود. لذا اگر مردم نسبت به حقوق خود آگاه شده و از آن بهره‌مند شوند، بقا حکومت نیز به درازا خواهد کشید. از این رو، سیاست‌گذاران معمولاً خط مشی کاری و اجرایی خود و دولت را به گونه‌ای بسترسازی می‌نمایند که نافع اصلی، مردم و ملت آن سامان باشد تا با استیفای حداقلی مردم از حقوق‌شان، رضایت عمومی در جامعه صورت پذیرد. به همین نسبت می‌توان گفت که مبانی حقوق و آزادی های اساسی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای ظرفیت هایی در تنظیم قدرت و تضمین حقوق مردم می باشد که اگر در مرحله اجرا با مدیریت صحیح همراه شود، قطعاً اهداف انقلاب اسلامی در احترام به حقوق حقه انسانی، کامیاب خواهد شد. موارد متعدد و قوانین جامعی که در بستر قانون اساسی کشور به منظور تأمین حقوق اجتماعی ملت در نهاد جامعه، به آن توجه شده است گویای این موضوع هست که کشور ایران در حال حاضر به لحاظ تقنین و مصوبات قانونی، نقصان شاخصی در ارتباط با نادیده گرفتن حقوق ملت، وجود ندارد و از این حیث نوعی کمال نسبی را تجربه نموده است. از جمله این موارد قانونی می‌توان به منشور حقوق شهروندی که اخیراً در کشور اجرایی گردید، به عنوان یک سند موفق در راستای تأمین حداکثری منابع و حقوق مردم نیز اشاره نمود.

^۱ اصل ۲۹ قانون اساسی

منابع

۱. امین، سیدحسن. (۱۳۹۱). مجموعه مقالات همایش قانون اساسی و حقوق شهروندی، جمهوریت و انقلاب اسلامی. تهران. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. ایوبی، محدثه. (۱۳۹۵). *حقوق اساسی در ایران و سایر کشورهای جهان*. تهران. نشر الهی
۳. بهشتی، سید محمدحسین. (۱۳۹۲). *مبانی نظری قانون اساسی*. (باز نشر دوم). تهران. بنیاد آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید دکتر بهشتی.
۴. تسخیری، محمدعلی. (۱۳۸۵). *در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران. نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۵. جوان آراسته، حسین. (۱۳۸۴). *حقوق اجتماعی و سیاسی در ایران*. تهران. نشر معارف.
۶. جهانگیر، منصور. (۱۳۹۱). *قانون مدنی همراه با قانون*. (چاپ دوم). تهران، چاپ دیدار.
۷. خشوعی، عبدالحسین. (۱۳۸۹). *حقوق مردم*. تهران. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۸. راسخ، فواد. (۱۳۹۰). *بررسی قانون اساسی با رویکرد حقوق مدنی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. مشهد. دانشگاه پیام نور.
۹. رضایی، فرهاد. (۱۳۹۳). *مشروح حقوق بشر مندرج در قانون اساسی و حقوق موضوعه ایران*. سمینار کارشناسی ارشد. خراسان شمالی. دانشگاه بجنورد.
۱۰. رئیسی، الهه. (۱۳۹۲). *حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران*. زنجان. نشر بهراد.
۱۱. زیبایی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۳). *کلیات حقوق اساسی ایران در خصوص حقوق زن*. قم. نشر دارالنور
۱۲. شعبانی، قاسم. (۱۳۹۰). *حقوق اساسی و ساختار حکومت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران. نشر اطلاعات. چاپ ۴۲
۱۳. شهابی، رضا. (۱۳۹۱). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. عباسی، بیژن. (۱۳۸۶). *حقوق اساسی در دوران مطلق‌گرایی*. تهران. نشریه حقوق اساسی. شماره ۸. سال چهارم
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۷). *مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران. انتشارات مجد.
۱۶. فرقانی، مسعود. (۱۳۹۵). *تعالیم اسلامی و حقوق موضوعه اسلامی*. تهران. ماهنامه دادرسی. سال بیست و یکم، شماره ۱۲۱
۱۷. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۹۰). *بایسته‌های حقوق اساسی*. (چاپ چهارم). تهران. نشر دادگستر.
۱۸. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. (۱۳۸۵). (چاپ یازدهم). انتشارات مجد.
۱۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). *مقدمه علم حقوق*. (چاپ چهارم). تهران. نشر میزان.
۲۰. کاشمری، محمد رضا. (۱۳۹۴). *حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران*. تهران. ماهنامه دادرسی. سال بیستم. شماره ۱۱۷.
۲۱. مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۸). *کلیات حقوق اساسی*. تهران. انتشارات پایدار.
۲۲. مرادیان، عارف. (۱۳۹۴). *حقوق اساسی نظام اسلامی مبتنی بر عدل الهی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. بوشهر. دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۳. موحد، محمدعلی. (۱۳۹۴). *در هوای حق و عدالت*. (ویراست سوم). تهران. نشر کارنامه.
۲۴. میراحمدی، حمزه. (۱۳۹۲). *بررسی نقش وجود قوانین موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران در ثبات داخلی کشور*. پایان نامه کارشناسی ارشد. کرمان. دانشگاه شهید باهنر.
۲۵. واشقانی، فرامرز. (۱۳۹۵). *ساختار نظام حقوقی ایران با رویکرد حقوق شهروندی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تبریز. دانشگاه سهند.

۲۶. هاشمی، بهرام. (۱۳۹۲). *حقوق متقابل مردم و دولت*. تهران. نشر دبیرخانه شورای نگهبان قانون اساسی.

27. Dean, H. (2015). *Social rights and human welfare*. Routledge.
28. Fein, H. (2015). *Human rights and wrongs: Slavery, terror, genocide*. Routledge.
29. Giuliani, E. (2016). *Human rights and corporate social responsibility in developing countries' industrial clusters*. *Journal of Business Ethics*, 133(1), 39.
30. Goodhart, M. (2016). *Human rights: politics and practice*. Oxford University Press.
31. Shelton, D. (2015). *Remedies in international human rights law*. Oxford University Press, USA.
32. Van Wormer, K., & Besthorn, F. H. (2017). *Human behavior and the social environment, macro level: Groups, communities, and organizations*. Oxford University Press.
33. Wronka, J. (2016). *Human rights and social justice: Social action and service for the helping and health professions*. Sage Publications.

Social Rights of Nation and Their Minimal Supply Criteria in Constitution

Sadegh Jamshidi

M.A Graduated in Department of Personality Criminal Law and Criminology, PNU South Tehran, Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract

One of the primary human needs is security. "Law" is like a security umbrella for all society members. Our familiarity with individual and social rights is considered as a prominent factor in preventing tensions. Of the main achievements of a comprehensive and fundamental constitution, there are ensuring full rights of people whether men or women, creating a fair juridical security for every member, and public equality in law in order to revive the public social rights, so people can achieve their rights accordingly. Thus, a special place is envisaged for realizing human rights in constitution of countries. In this regard, criteria and requirements are institutionalized through constitution of Islamic Republic of Iran secure the rights of society members that enforces the government and regime to execute them. For this purpose, in this research, the status of the people's social rights in constitution and the criteria of their provision by government are reviewed. Therefore, at first, general individual rights and its legal conditions and potentials are reviewed, and then current procedure and the ideal state of supply of people's rights from the law point of view will be expressed.

Keywords: Law, Rights of Nation, Social Rights, Justice, Society.
